



# تاریخ تفسیر قرآن

از عصر رسالت تا پایان عصر غیبت صغرا (۳۲۹ق)

جلد اول

علی اکبر بابایی

بابایی، علی‌اکبر، ۱۳۳۳ -

تاریخ تفسیر قرآن / علی‌اکبر بابایی. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۷.

ج. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷. علوم قرآنی؛ ۶)

ISBN: 978-964-7788-84-7 (ج) بهای: ۵۹۰۰ ریال

فهرستنويسي بر اساس اطلاعات فیبا.

كتابنامه: ص. ۵۳۳ - ۵۴۸؛ همچنین به صورت زيرنويس.

مندرجات: ج. ۱. از عصر رسالت تا پایان عصر غیبت صgra (۳۲۹) نمایه.

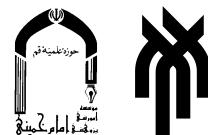
۱. تفاسیر — تاریخ. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ج. عنوان.

۲۹۷ / ۱۹

BP ۹۲ / ۲ ت ۲ ب

كتابخانه ملي ايران

۱۱۹۷۰۸۶



### تاریخ تفسیر قرآن کریم

مؤلف: علی‌اکبر بابایی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (۵)

ویراستار: سید محمدحسن جواهري

حروفچيني و صفحه‌آرایي: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: تابستان ۱۳۹۰ (چاپ اول: تابستان ۱۳۸۷)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

ليتوگرافی: سعیدي

چاپ: قم - سیحان

قيمت: ۸۴۵۰ تoman

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قسم: ابتدای شهرک پرديسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☎ تلفن: ۰۲۵۱ ۲۱۱۱ ۲۱۱۱۳۰۰

نمبر: ۰۹۰۲۰۰۲۱۵۱ - ۰۷۱۸۵ تهران: خ انقلاب، بين وصال و قدس، نيش كوي اسکو ☎ تلفن: ۰۲۰۰ ۶۶۹۷۸۹۲۰

[www.rihu.ac.ir](http://www.rihu.ac.ir)

[info@rihu.ac.ir](mailto:info@rihu.ac.ir)

# فهرست مطالب

## مقدمه

۵	معنای تفسیر
۷	معنای تأویل
۱۰	باطن قرآن کریم
۱۱	تاریخ تفسیر قرآن کریم
۱۲	اهمیت بحث
۱۳	پیشینه

## فصل اول: تفسیر در عصر رسالت

۱۷	عصر رسالت و آغاز تفسیر
۱۷	۱. تحلیل عقلی
۱۸	۲. قرآن کریم
۲۰	۳. روایات
۲۴	تفسران عصر رسالت
۲۵	ماخذ تفسیر در عصر رسالت
۲۶	الف. فهم عرفی یا فهم خود پیامبر ﷺ
۲۷	ب. قرآن
۲۸	ج. تلقی از جبرئیل
۲۹	د. وحی یا تعلیم خداوند
۳۳	برترین دانشجوی تفسیر در عصر رسالت
۴۰	تفسیر همه قرآن در عصر رسالت
۴۱	کتابت تفسیر در عصر رسالت
۴۴	آثار تفسیری عصر رسالت
۴۶	ویژگی تفسیر در عصر رسالت

## فصل دوم: تفسیر در عصر حضور امامان معصوم

بخش اول: مفسران عصر حضور

الف - مفسران برگزیده خدا	۵۵
شواهد مفسر بودن امامان معصوم	۵۶
۱. روایات شئون امامان معصوم	۵۷
۲. تفسیرهای مؤثر از امامان معصوم	۵۸
تفسیر مؤثر از امام علی	۵۸
(۲۳) قبل از هجرت - ۴۰ ه.ق.	
تفسیر مؤثر از امام حسن	۶۱
(۲) یا ۳ - ۵۰ ه.ق.	
تفسیر مؤثر از امام حسین	۶۳
(۳) یا ۴ - ۶۱ ه.ق.	
تفسیر مؤثر از امام علی بن الحسین	۶۵
(۳۸) ۹۵ - ۳۸ ه.ق.	
تفسیر مؤثر از امام باقر	۶۷
(۵۷) ۱۱۴ - ۵۷ ه.ق.	
تفسیر مؤثر از امام صادق	۶۹
(۸۳ - ۸۲) ۱۴۸	
تفسیر مؤثر از امام کاظم	۷۱
(۱۲۸ - ۱۲۸) ۱۸۳	
تفسیر مؤثر از امام رضا	۷۳
(۱۵۳) ۲۰۳ - ۵۲ ه.ق.	
تفسیر مؤثر از امام جواد	۷۴
(۱۹۵) ۲۱۹ - ۲۱۹ یا ۲۲۰ ه.ق.	
تفسیر مؤثر از امام هادی	۷۶
(۲۱۲) ۲۵۴ - ۵۲ ه.ق.	
تفسیر مؤثر از امام حسن عسکری	۷۹
(۲۳۲) ۲۶۰ - ۲۳۲ ه.ق.	
تفسیر مؤثر از امام زمان (عج)	۸۱
(۲۵۵) ۲۵۵ - ه.ق.	
دلایل برگزیده خدا بودن این دسته از مفسران	۸۵
۱. حکمت خدا و نصوص امامت	۸۵
۲. حدیث ثقلین	۸۶
۳. روایات صریح	۹۱
نتیجه گیری	۹۴
نقش مفسران برگزیده در تفسیر قرآن	۹۵
۱. حفظ دانش و آثار تفسیری رسول خدا	۹۵
۲. تعلیم تفسیر و تعمیق و توسعه آن	۹۹
۳. آموزش روش صحیح تفسیر	۱۰۲
۴. هشدار به مفسران فاقد صلاحیت	۱۰۶
۵. تحذیر از تفسیر به روش‌های انحرافی	۱۰۸
۶. تخطئة تفسیرها و پرداشت‌های نادرست از آیات	۱۱۰

۱۱۲	۷. نفی اسرائیلیات
۱۱۳	ب - مفسران صحابی
۱۱۷	جایگاه تفسیری امیر مؤمنان علی <small>علی‌الله‌آمد</small> در آثار و منظر اهل تسنن
۱۲۰	ابی بن کعب (۱۹ یا... یا ۳۲ ه.ق)
۱۲۵	ابن مسعود (۳۲ ه.ق)
۱۳۱	زید بن ثابت (۴۵ ه.ق)
۱۳۳	عایشه (۵۷ ه.ق)
۱۳۴	ابن عباس (۶۸ ه.ق)
۱۳۸	جابر بن عبدالله انصاری (۷۸ ه.ق)
۱۴۲	ج - مفسرانتابعی
۱۴۴	میثم تمار (... - ۶۰ ه.ق)
۱۴۶	علقمة بن قیس (... - ۶۲ ه.ق)
۱۴۸	مسروق بن اجدع (... - ۶۳ ه.ق)
۱۵۰	عمرو بن شرحبیل (... - ۶۳ ه.ق)
۱۵۲	عبددة بن قیس بن عمرو سلمانی کوفی (... - ۷۲ ه.ق)
۱۵۴	مرة همدانی کوفی (... - ۷۶ ه.ق)
۱۵۶	زر بن حبیش (... - ۸۳ ه.ق)
۱۵۹	ابوالعالیه رفیع بن مهران ریاحی بصری (... - ۹۳ ه.ق)
۱۶۲	ابوسلیمان زید بن وهب جهنه کوفی (... - ۹۳ ه.ق)
۱۶۴	سعید بن مسیب (۱۵ یا ۱۹ - ۹۴ ه.ق)
۱۶۶	سعید بن جبیر (۴۶ - ۹۵ ه.ق)
۱۶۷	ابراهیم نخعی (... - ۹۶ ه.ق)
۱۶۸	ابوصالح میزان بصری (... - ۱۰۰ ه.ق به بعد)
۱۷۰	ابوالقاسم ضحاک بن مزاحم هلالی خراسانی (... - ۱۰۲ ه.ق)
۱۷۲	جابر بن زید (۲۱ - ۹۳ یا ۱۰۳ ه.ق)
۱۷۳	مجاهد بن جبر مکّی (۱۰۴ - ۲۱ ه.ق)
۱۷۴	ابوعبدالرحمان طاووس بن گیسان یمانی (... - ۱۰۶ ه.ق)
۱۷۶	ابوعبدالله عکرمہ بن عبد الله بربری هاشمی (۱۰۷ - ۲۷ ه.ق)
۱۸۰	ابوعمره عامر بن شراحیل شعیی کوفی (۲۰ - ۱۰۹ ه.ق)
۱۸۳	ابوسعید حسن بن ابی الحسن بصری (۲۱ - ۱۱۰ ه.ق)

- ابوالحسن عطية بن سعد عوفي جدلی کوفی (...- ۱۱۱هـ.ق) ..... ۱۸۴
- ابومحمد عطاء بن ابی رباح قریشی ملکی (۲۷- ۱۱۴هـ.ق) ..... ۱۸۸
- ابوالخطاب قتادة بن دعامة سدوسی بصری (۶۱- ۱۱۷هـ.ق) ..... ۱۹۲
- ابو حمزة محمد بن کعب قرطی مدنی (۴۰ - ۱۲۰هـ.ق) ..... ۱۹۳
- ابوالحسن زید بن علی بن الحسین هاشمی مدنی (۷۹- ۱۲۱هـ.ق) ..... ۱۹۵
- ابومحمد اسماعیل بن عبدالرحمان کوفی معروف به سدی کبیر (...- ۱۲۷هـ.ق) ..... ۲۰۱
- ابوعبدالله جابر بن یزید جعفی کوفی (...- ۱۲۸هـ.ق) ..... ۲۰۴
- یحیی بن یَعْمَر (۱۲۹هـ.ق) ..... ۲۰۵
- عطاء بن ابی مسلم خراسانی (۵۰- ۱۳۵هـ.ق) ..... ۲۰۶
- ابوعبدالله زید بن اسلم عدوی مدنی (...- ۱۳۶هـ.ق) ..... ۲۰۸
- ابومحمد عطاء بن سائب ثقفی کوفی (...- ۱۳۶هـ.ق) ..... ۲۰۹
- ریبع بن انس بکری بصری خراسانی (...- ۱۳۹هـ.ق) ..... ۲۱۱
- داود بن ابی هند قشیری سرخسی بصری (۵۰- ۱۳۹هـ.ق) ..... ۲۱۲
- ابوسعید ابان بن تغلب بکری کوفی (...- ۱۴۱هـ.ق) ..... ۲۱۴
- ابوالنصر محمد بن سائب کلبی کوفی (...- ۱۴۶هـ.ق) ..... ۲۱۸
- ابوحمزه، ثابت بن دینار ثمالی کوفی (...- ۱۵۰هـ.ق) ..... ۲۲۰
- ابوالجارود زیاد بن منذر همدانی کوفی (...- ۱۵۰هـ.ق) ..... ۲۲۳
- ابوروق عطية بن حرث همدانی کوفی (...) ..... ۲۲۵
- د - مفسران بعد از تابعین ..... ۲۲۶
- ابوبصیر یحیی بن قاسم (...- ۱۵۰هـ.ق) ..... ۲۲۶
- ابوجعفر محمد بن علی بن ابی شعبه حلبی (...) ..... ۲۲۷
- مقاتل بن سلیمان (...- ۱۵۰هـ.ق) ..... ۲۲۸
- بن جریج (۸۰ - ۱۵۰هـ.ق) ..... ۲۲۹
- سکونی (اسماعیل بن ابی زیاد) (...) ..... ۲۳۱
- ابوعلی وہیب بن حفص جریری (...) ..... ۲۳۲
- ہشام بن سالم جواليقی کوفی (...) ..... ۲۳۳
- ابوسلطام شعبة بن حجاج (۸۲ - ۱۶۰هـ.ق) ..... ۲۳۳
- بن وضاح (...) ..... ۲۳۳
- ابوعبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمان برقی (...) ..... ۲۳۴
- وکیع بن جراح رؤاسی کوفی (۱۲۷ - ۱۹۷هـ.ق) ..... ۲۳۵

٢٣٥	سایر مفسران بعد از تابعین (رقم ١٥٧-١٢)
٢٥٨	نتیجه‌گیری

## بخش دوم: آثار تفسیری عصر حضور

٢٦٣	الف - کتاب‌های موجود
٢٦٤	تفسیر عرفانی منسوب به امام صادق علیه السلام
٢٧٠	التفصیر الصوفی للقرآن عند الصادق علیه السلام
٢٧١	التفصیر المنسب الى الامام ابی محمد الحسن بن علی العسكری علیه السلام
٢٧٩	التفصیر المأثور عن عمر بن الخطاب (٢٣ھـ.ق)
٢٨٠	آثار تفسیری عائشه (٥٧ھـ.ق)
٢٨٢	آثار تفسیری منسوب به ابن عباس (٤٨ھـ.ق)
٢٨٤	تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس
٢٨٨	غريب القرآن في شعر العرب (سؤالات نافع بن الأزرق عن ابن عباس)
٢٨٩	صحيفة على بن ابى طلحة عن ابن عباس في تفسير القرآن الكريم
٢٩٢	تفسير سعید بن جبیر (٩٥ھـ.ق)
٢٩٧	تفسير الضحاك (١٠٢ یا ١٠٥ و ١٠٦ھـ.ق)
٢٩٩	تفسير مجاهد (٢١-٤٠ھـ.ق)
٣٠٣	تفسير الحسن البصري (٢١-١١٠ھـ.ق)
٣٠٦	غريب القرآن منسوب به زيد بن علی بن الحسين (١٢١ھـ.ق)
٣١٠	«الصفوة في اصطفاء أهل البيت» زيد شهید (١٢١ھـ.ق)
٣١١	تفسير السدى الكبير (١٢٧ھـ.ق)
٣١٥	تفسير القرآن الكريم ابو حمزة ثمالي (١٥٠ھـ.ق)
٣١٩	تفسير مقاتل بن سليمان (١٥٠ھـ.ق)
٣٢٣	تفسير ابن جریح (١٥٠ھـ.ق)
٣٢٥	تفسير سفیان الثوری (١٦١ھـ.ق)
٣٢٨	تفسیر مالک بن انس یا «التفصیر المسند» (١٧٩ھـ.ق)
٣٣٢	تفسیر سفیان بن عینه هلالی (١٩٨ھـ.ق)
٣٣٣	تفسیر یحیی بن سلام (١٢٤-٢٠٠ھـ.ق)
٣٣٧	آثار تفسیری شافعی (٢٠٤ھـ.ق)
٣٣٨	الف - احکام القرآن

٣٣٨	ب - تفسیر الامام الشافعی
٣٣٩	معانی القرآن فراء (٢٠٧ هـ.ق)
٣٤٣	تفسیر معانی القرآن اخفش (٢١٠ یا ٢١٥ یا ٢٢١ هـ.ق)
٣٤٤	تفسیر عبدالرزاقي بن همام
٣٥٠	تفسيرهای روایی ضمنی
٣٥٠	الف - «كتاب التفسير» بخاري
٣٥٦	ب - «كتاب التفسير» مسلم
٣٥٧	ب - كتابهای مفقود
٣٥٧	تفسیر و تأویل‌های مکتوب در مصحف امام علی علیه السلام
٣٦٢	كتاب الباقر علیه السلام یا تفسیر ابی الجارود
٣٦٤	تفسیری ١٢٠ جلدی به املای امام هادی علیه السلام
٣٦٦	تفسیر و تأویل‌های مصحف ابی بن کعب (١٩ یا... یا ٣٢ هـ.ق)
٣٦٧	نسخه کبیره ابی بن کعب
٣٦٧	نکات تفسیری مصحف ابن مسعود (٣٢ هـ.ق)
٣٦٩	سه کتاب تفسیری دیگر از ابن عباس (٦٨ هـ.ق)
٣٧٠	تفسیر میثم التمار (٦٠ هـ.ق)
٣٧٠	تفسیر ابیالعلیة الرياحی (٩٣ هـ.ق)
٣٧١	تفسیر طاووس الیمانی (١٠٦ هـ.ق)
٣٧١	تفسیر عکرمة (١٠٧ هـ.ق)
٣٧٢	تفسیر عطیه العوفی (١١١ هـ.ق)
٣٧٢	التفسیر عطاء بن ابی رباح (١١٤ هـ.ق)
٣٧٢	تفسیر قتادة بن دعامة السدوسي (١١٧ هـ.ق)
٣٧٣	تفسیر القرظی (٤٠ - ١٢٠ هـ.ق)
٣٧٤	تفسیر جابر الجعفی (١٢٧ هـ.ق)
٣٧٤	تفسیر عطاء بن ابی مسلم الخراسانی (١٣٥ هـ.ق)
٣٧٥	كتاب التفسير زید بن اسلم (١٣٦ هـ.ق)
٣٧٥	تفسیر داود بن ابی هند (١٣٩ هـ.ق)
٣٧٥	كتاب التفسير ابن ابی شعبه از اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام (...)
٣٧٦	تفسیر اسماعیل بن ابی زیاد (...)
٣٧٦	تفسیر ابان بن تغلب (١٤١ هـ.ق)

٣٧٦	كتاب التفسير عمرو بن عبيد (١٤٤هـ.ق)
٣٧٧	تفسير الكلبي (١٤٦هـ.ق)
٣٧٨	تفسير أبي روق (...)
٣٧٨	تفسير أبي بصير (١٥٠هـ.ق)
٣٧٨	كتاب التفسير حسن بن واقد مروزى (...)
٣٧٨	كتاب التفسير جابر بن حيّان (...)
٣٧٩	تفسير البطائني (...)
٣٧٩	تفسير أبي جنادة السلوبي (...)
٣٧٩	تفسير القرآن وهب بن حفص جريري از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام (...)
٣٧٩	التفسير هشام بن سالم جواليقى از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام (...)
٣٨٠	كتاب التفسير ابن وضاح (...)
٣٨٠	كتاب التفسير محمد بن خالد برقى (...)
٣٨٠	تفسير شعبة بن الحجاج (١٦٠هـ.ق)
٣٨٠	كتاب التفسير زائدة بن قدامه (١٦٠هـ.ق يا ١٦١هـ.ق)
٣٨٠	تفسير ورقاء بن عمر (بعد از ١٦٠هـ.ق)
٣٨١	التفسير ابراهيم بن طهمان هروي (بعد از ١٦٠هـ.ق)
٣٨١	التفسير سعيد بن بشير ازدي (١٦٨هـ.ق يا ١٦٩هـ.ق)
٣٨١	كتاب التفسير عبدالله بن مبارك (١٨١هـ.ق)
٣٨١	كتاب التفسير عبدالرحمن بن زيد بن اسلم (١٨٢هـ.ق)
٣٨١	كتاب التفسير هشيم بن بشير سلمي (١٨٣هـ.ق)
٣٨٢	كتاب التفسير ابن علية (١٩٣هـ.ق)
٣٨٢	كتاب التفسير محمد بن فضيل (١٩٥هـ.ق)
٣٨٢	تفسير وكيع بن الجراح (١٩٧هـ.ق)
٣٨٣	كتاب التفسير منخل بن جميل (...)
٣٨٣	كتاب تفسير القرآن اصم (٢٠٠هـ.ق)
٣٨٣	كتاب التفسير عبد الوهاب بن عطاء عجلی (٢٠٤هـ.ق يا ٢٠٦هـ.ق)
٣٨٣	تفسير روح بن عبادة (٢٠٥هـ.ق يا ٢٠٧هـ.ق)
٣٨٤	تفسير القرآن يزيد بن هارون (٢٠٦هـ.ق)
٣٨٤	معانی القرآن قطری (٢٠٦هـ.ق)
٣٨٤	كتاب تفسير القرآن يونس بن عبدالرحمن (٢٠٨هـ.ق)

٣٨٤	تفسير الفريابي (٢١٢هـ.ق)
٣٨٥	تفسير قبيصه (٢١٣هـ.ق) يا (٢١٥هـ.ق)
٣٨٥	كتاب تفسير عم يتسائلون (...)
٣٨٥	تأويل متشابه القرآن بشر بن معتمر (٢١٠هـ.ق) يا (٢٢٠هـ.ق)
٣٨٥	تفسير القرآن آدم بن ابی ایاس (٢٢٠هـ.ق)
٣٨٦	كتاب التفسير ابن فضال كبير (٢٢٤هـ.ق)
٣٨٦	كتاب التفسير حسن بن يعقوب (٢٢٤هـ.ق)
٣٨٦	كتاب التفسير على بن مهزيار (زندہ تا ٢٢٩هـ.ق)
٣٨٦	كتاب تفسير القرآن ابني سعید (...)
٣٨٧	تفسير القرآن محمد بن اورمۀ قمی (...)
٣٨٧	كتاب ما نزل من القرآن فى امير المؤمنين عائشة (...)
٣٨٧	كتاب ما نزل فى القرآن فى عائشة (...)
٣٨٨	كتاب تفسير القرآن يقطيني (...)
٣٨٨	كتاب التفسير على بن اسپاط (...)
٣٨٨	كتاب التفسير عبدالله بن صلت (...)
٣٨٨	كتاب التفسير عيسى بن داود (...)
٣٨٩	كتاب التفسير ابن فضال صغیر (...)
٣٨٩	كتاب التفسير عبدالله بن محمد بن ابی شيبة (٢٣٥هـ.ق)
٣٨٩	كتاب التفسير عثمان بن ابی شيبة (٢٣٧هـ.ق) يا (٢٣٩هـ.ق)
٣٨٩	كتاب التفسير اسحاق بن راهويه (٢٣٨هـ.ق)
٣٩٠	تفسير النَّهَدِي (٢٤٠هـ.ق)
٣٩٠	تفسير المازنی (٢٤٨هـ.ق)
٣٩١	كتاب التفسير فضل بن شاذان رازی (...)
٣٩٢	تفسير القرآن کَشَّی یا کَسَّی (٢٤٩هـ.ق)
٣٩٢	ساير كتاب های تفسيري مفقود (رقم ٧٩ - ١٤٣)
٣٩٦	نتيجه گيري
٣٩٧	ج - روایات و آرای پراکنده در كتاب های تفسيري
٣٩٨	نتيجه گيري از مباحث بخش

## بخش سوم: مآخذ و مستندات، ویژگی‌ها و تطورات تفسیر در عصر حضور

الف - مآخذ و مستندات تفسیر در عصر حضور .....	۴۰۱
● مآخذ و مستندات متصل .....	۴۰۲
- ویژگی‌های ادبی کلام .....	۴۰۳
- فضای نزول آیات .....	۴۰۳
- سیاق .....	۴۰۶
- ویژگی‌های گوینده، مخاطب و موضوع سخن .....	۴۰۶
● مآخذ و مستندات منفصل .....	۴۰۷
- قرآن کریم .....	۴۰۷
- روایات نقل شده از پیامبر ﷺ .....	۴۱۳
- روایات نقل شده از امامان معصوم ؑ .....	۴۱۷
- آرای صحابه .....	۴۱۹
- اجماع امت .....	۴۲۰
- محاورات عرفی و اشعار عرب .....	۴۲۱
- معلومات عقلی .....	۴۲۴
ب - ویژگی‌های تفسیر در عصر حضور .....	۴۲۶
ج - تطورات کمی و کیفی تفسیر در عصر حضور .....	۴۲۸
- گسترش تدریجی قلمرو تفسیر .....	۴۲۸
- تطورات کمی تعلیمات تفسیری امامان معصوم ؑ .....	۴۲۹
- راه یافتن اسرائیلیات به روایات تفسیری .....	۴۳۱
- تألیف تفسیر موضوعی .....	۴۳۷

## فصل سوم: تفسیر در عصر غیبت صغرا

الف - مفسران عصر غیبت صغرا (رقم ۱ - ۸۴) .....	۴۴۴
ب - آثار تفسیری عصر غیبت صغرا .....	۴۶۳
تفسیرهای موجود شیعه .....	۴۶۴
تفسیر الحجیری (۲۸۱ هـ.ق) .....	۴۶۴
تفسیر فرات کوفی .....	۴۶۷
ناسخ القرآن و منسوخه و محکمه و متشابهه (۱۰۵ هـ.ق) .....	۴۷۲
تفسیر العیاشی .....	۴۷۳

٤٧٧	كتاب التفسير على بن ابراهيم قمي
٤٨٥	تفسيرهای موجود اهل تسنن
٤٨٥	«تفسير كتاب الله العزيز» هواری (نيمة دوم قرن سوم)
٤٨٨	تأویل مشکل القرآن
٤٨٩	تفسير غریب القرآن (٢٧٦ھ.ق)
٤٩١	«كتاب تفسیر القرآن» سنن ترمذی
٤٩١	تفسیر التستری (٢٨٣ھ.ق)
٤٩٥	«كتاب ما اتفق لفظه و اختلف معناه من القرآن المجيد» مبرد (٢٨٦ھ.ق)
٤٩٧	تفسير النساءی (٣٠٣ھ.ق)
٥٠٢	تفسير الطبری (٣١٠ھ.ق)
٥٠٩	«معانی القرآن و اعرابه» زجاج (٣١١ھ.ق)
٥١١	«اعراب القرآن» زجاج (٣١١ھ.ق)
٥١٢	«جامع التأویل لمحکم التنزيل» ابومسلم اصفهانی (٣٢٢ھ.ق)
٥١٣	تفسير القرآن العظیم ابن ابی حاتم (٣٢٧ھ.ق)
٥١٧	نتیجه‌گیری
٥١٩	كتاب‌های تفسیری مفقود
٥٢٩	ج - ویژگی‌ها و تحولات تفسیر در عصر غیبت صغرا
٥٣٣	منابع و مأخذ

٥٤٩	نمايه‌ها
٥٤٩	نمايه آيات
٥٦٣	روایات نقل شده از معصومین <small>علیهم السلام</small>
٥٧٠	برخی سخنان نقل شده از صحابه و تابعین
٥٧١	نمايه نام معصومین <small>علیهم السلام</small>
٥٧٣	نمايه اعلام
٥٨٦	نمايه نام کتاب‌ها
٦٠١	نمايه مفسران معرفی شده در این کتاب
٦٠٧	نمايه کتاب‌های تفسیری معرفی شده در این کتاب

## سخن ناشران

نیازگسترده جوامع علمی و حوزوی و دانشگاهی به متون فقهی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، حقیقتی انکارناپذیر است. برای رفع این نیاز، مراکز پژوهشی با توجه به محدودیت‌های موجود، می‌توانند با یاری و همکاری یکدیگر، آثار مشترکی تدوین و ارائه کنند تا افزون بر ارتقای کمی و کیفی پژوهش‌ها، از تکرارها و موازی‌کاری‌ها جلوگیری شود. از این‌رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رهنما برای نیل به اهداف یاد شده، نخستین کار مشترک خود را با عنوان «تاریخ تفسیر قرآن» به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

این کتاب به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های الهیات، گرایش «علوم قرآن و حدیث» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دیگر علاوه‌مندان به حوزه تفسیر و معارف قرآن تألیف شده است. امید است که مورد عنایت استادان و صاحب‌نظران قرار گیرد تا با پیشنهادهای ارزشمند و راهگشای خود ما را در غنی‌سازی این اثر یاری رسانند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رهنما

صفحه ۲ خالی است

## مقدمه

معنای تفسیر  
معنای تأویل  
باطن قرآن کریم  
تاریخ تفسیر قرآن کریم  
اهمیت بحث  
پیشینه

صفحه ۲۹ خالی است

## مقدمه

### معنای تفسیر

لغت‌دانان برای «تفسیر» معانی متعددی مانند کشف مراد از لفظ مشکل،<sup>۱</sup> کشف معنای لفظ و اظهار آن،<sup>۲</sup> بیان نمودن معنای سخن،<sup>۳</sup> شرح کردن کلام خدا، کشف کردن ظاهر قرآن،<sup>۴</sup> و بیان و تشریح معنا و لفظ آیات قرآن،<sup>۵</sup> را بیان کرده‌اند.

مناسب‌ترین معنا برای کلمه «تفسیر» در آیه کریمه «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاهُ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا»<sup>۶</sup> بیان است و جمعی از مفسران نیز آن را به بیان،<sup>۷</sup> یا بیان و تفصیل،<sup>۸</sup> یا بیان و کشف<sup>۹</sup> (که همه نزدیک به هم است) معنا کرده‌اند.

در مقدمه شماری از تفاسیر و در کتاب‌های علوم قرآنی و برخی کتابهای دیگر، تعاریف مختلف و متعددی برای آن بیان شده است.

- در مقدمه مجمع الیان به «کشف مراد از لفظ مشکل» تعریف شده است.<sup>۱۰</sup>

- در مقدمه التسهیل به «شرح قرآن و بیان معنای آن و آشکار کردن چیزی که [قرآن] با تصریح یا اشاره یا فحوا آن را اقتضا می‌کند» معنا شده است.<sup>۱۱</sup>

- 
۱. ابن منظور؛ لسان العرب؛ واژه «فسر».
  ۲. طریحی؛ مجمع البحرين؛ واژه «فسر».
  ۳. صفوی پور؛ متنی الادب؛ واژه «فسر».
  ۴. دهخدا؛ لغت‌نامه؛ واژه «تفسیر».
  ۵. معین؛ فرهنگ فارسی معنی؛ واژه «تفسیر».
  ۶. فرقان، ۳۳.
  ۷. طبری؛ جامع الیان؛ ج ۹، ص ۳۸۸ به نقل از مجاهد، ابوالفتوح رازی؛ روض الجنان و روح الجنان؛ ج ۱۴، ص ۲۰۷؛ نسفی؛ تفسیر نسفی؛ ج ۲، ص ۶۸۴؛ لاهیجی؛ تفسیر شریف لاهیجی؛ ج ۳، ص ۳۲۵.
  ۸. همان‌جا؛ بغوي؛ تفسیر البغوي المسمى معلم التنزيل؛ ج ۳، ص ۳۶۸.
  ۹. طبرسى، فضل بن حسن؛ مجمع الیان؛ ج ۷، ص ۲۶۶؛ آلوسى؛ روح المعانى؛ ج ۱۹، ص ۱۶.
  ۱۰. همان؛ ج ۱، ص ۸۰.
  ۱۱. ابن جزی کلبی؛ التسهیل لعلوم التنزیل؛ ج ۱، ص ۹. عبارت عربی وی چنین است: «وَمَعْنَى التَّفْسِيرِ شَرْحُ الْقُرْآنِ وَبِيَانِ

- در مقدمه المیزان به «بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدلایل آنها» تعریف شده است.<sup>۱</sup>

- در برهان زرکشی به نقل از راغب اصفهانی چنین تعریف شده است: «تفسیر در عرف دانشمندان کشف معانی قرآن و بیان مراد است، اعم از اینکه به حسب مشکل بودن لفظ و غیر آن و به حسب معنای ظاهر و غیر آن باشد». <sup>۲</sup>

- خود زرکشی آن را به «علمی که به وسیله آن فهم کتاب خدا که بر پیامبر [حضرت] محمد ﷺ نازل شده، و بیان معانی و استخراج احکام و حکمت‌های آن به دست می‌آید» تعریف کرده است.<sup>۳</sup>

- آیت الله خویی آن را به «آشکار کردن مراد خدای متعال از کتاب عزیزش» معنا کرده است.<sup>۴</sup>

- آقابزرگ تهرانی به «بیان ظواهر آیات قرآن بر اساس قواعد و لغت عرب» تعریف کرده است.<sup>۵</sup>

- ما نیز در روش‌شناسی تفسیر قرآن پس از بررسی تعریف‌های مزبور،<sup>۶</sup> در تعریف آن گفته‌ایم: تفسیر عبارت است از: بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره.<sup>۷</sup>

در همه این معانی و تعاریف، خصوصیت کشف و بیان یا شرح و آشکار کردن برای تفسیر ذکر شده است و طبق این تعریف‌ها، به ویژه تعریف اخیر، بخشی از مطالبی که در کتاب‌های تفسیری به عنوان تفسیر قرآن بیان شده، از محدوده تفسیر خارج است و تفسیر حقیقی نمی‌باشد؛ زیرا دلالت آیات بر آن مطالب و مراد خدا بودن آنها، با قراین و شواهد

⇒ معناه و الاصلاح بما یقتضیه بنصه او اشارته او نجواه. در بعضی نسخه‌ها به جای «نجوا»، «فحوا» است (ر.ک: الشهيل لعلوم التنزيل؛ ط بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۳هـ.ق، تحقيق رضا فرج الهمامي، ج ۱، ص ۱۵) و ترجمة فوق طبق آن نسخه است.

۱. (التفسیر هو بیان معانی الآیات القرآنية و الكشف عن مقاصدھا و مدلایلھا) (طباطبائی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱، ص ۴).

۲. زرکشی؛ البرهان فی علوم القرآن؛ ج ۲، ص ۱۴۹ (نوع چهل و یکم، فرق بین تفسیر و تأویل).

۳. همان؛ ج ۱، ص ۱۳ (فصل فی علم التفسیر). ۴. خویی؛ البیان؛ ص ۳۹۷.

۵. آقابزرگ تهرانی؛ الذريعة إلى تصانيف الشيعة؛ ج ۴، ص ۲۲۲.

۶. برای آگاهی از نقایص این تعریف‌ها ر.ک: بابائی و دیگران؛ روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ ص ۱۲-۲۰.

۷. همان؛ ص ۲۳. توضیح این تعریف را نیز در ص ۲۴ همان کتاب بنگرید.

روشن‌گر آشکار نگردیده و حتی ممکن است تمام یک کتاب تفسیری، تفسیری حقیقی نباشد؛ زیرا فاقد خصوصیاتی است که در این تعاریف برای تفسیر بیان شده است، ولی در عنوان این کتاب (تاریخ تفسیر قرآن کربلا) برای اینکه همه آنچه را به عنوان تفسیر برای قرآن کریم نوشته‌اند، شامل شود، تفسیر به معنایی اعم از آن چیزی در نظر گرفته شده که در این تعریف‌ها بیان گردیده است و هر گونه ذکر معنا برای آیات را دربرمی‌گیرد، خواه مفسر دلالت آیات بر معنایی که ذکر کرده و مراد خدا بودن آن را با ارائه شواهد و قرایین بر مبنای قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره آشکار کرده باشد و خواه از آشکار کردن آن ناتوان مانده باشد.

### معنای تأویل

تأویل از «أول» به معنای رجوع اشتقاق یافته<sup>۱</sup> و معنای آن با نظر به ریشه اصلی اش «ارجاع» است. در کتاب‌های لغت، معانی فراوانی مانند روشن ساختن کلامی که معانی آن مختلف بوده و جز با بیانی فراتر از الفاظ آن میسر نباشد،<sup>۲</sup> آشکار ساختن آنچه شیء به آن باز می‌گردد،<sup>۳</sup> ارجاع کلام و صرف آن از معنای ظاهر به معنای پنهان‌تر از آن،<sup>۴</sup> عاقبت کلام و آنچه کلام به آن باز می‌گردد،<sup>۵</sup> معنای پنهان قرآن که غیرمعنای ظاهر آن است<sup>۶</sup> و جزاینها را برای آن ذکر کرده‌اند. مفسران و صاحب‌نظران علوم قرآنی نیز دیدگاه‌های گوناگونی درباره آن ابراز کرده‌اند: برخی تأویل را به معنای تفسیر<sup>۷</sup> و برخی اعم از تفسیر

۱. ر.ک: جوهری؛ الصحاح؛ ابن منظور؛ لسان العرب؛ قیومی؛ المصباح المنیر؛ ابن فارس؛ مقایيس اللغة؛ فیروزآبادی؛ القاموس المحيط؛ واژه «أول».

۲. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ واژه «أول»؛ ابن منظور؛ لسان العرب؛ به نقل از «لیث» ذیل واژه «أول».

۳. جوهری؛ الصحاح؛ واژه «أول»؛ زبیدی در تاج العروس نیز ذیل همان واژه این معنا را از رضا غانی نقل کرده است.

۴. طریحی؛ مجمع البحرين؛ واژه «أول».

۵. ابن فارس؛ مقایيس اللغة؛ واژه «أول».

۶. طریحی؛ مجمع البحرين؛ واژه «أول».

۷. از ابو عبیده و مبرز نقل شده که تفسیر و تأویل را به یک معنا می‌دانسته‌اند (ر.ک: جزایری، نورالدین؛ فروق اللغات فی التمييز بين مفاسد الكلمات؛ ص ۸۷). از ابوالعباس احمد بن یحیی نیز نقل شده که گفته است: تأویل، معنا و تفسیر به یک معنا است (ر.ک: لسان العرب؛ ج ۱، ص ۲۶۴). قرطی گفته است: تأویل به معنای تفسیر است (الجامع لاحکام القرآن؛ ج ۲، جزء ۳-۴، ص ۱۲). شیخ طوسی، امین الاسلام طبرسی و آلوسی نیز در تفسیر آیه ۷ آل عمران به یک معنا بودن آن دو تصریح کرده‌اند (ر.ک: البيان فی تفسیر القرآن؛ مجمع البيان و روح المعانی؛ تفسیر آیه ۷ سوره آل عمران).

دانسته‌اند.<sup>۱</sup> برخی آن را به بازگرداندن یکی از دو احتمال به معنای مطابق با ظاهر<sup>۲</sup> و برخی به برگرداندن آیه از معنای ظاهر به معنای احتمالی موافق با کتاب و سنت تعریف کرده‌اند.<sup>۳</sup> برخی آن را حقیقت خارجی کلام (وجود «مخبر<sup>۴</sup> به» در خبر، فعل و ترک متعلق امر و نهی در امر و نهی) معرفی کرده‌اند،<sup>۵</sup> و برخی آن را خارج از حیطه مفاهیم الفاظ و مصادیق خارجی آن دانسته و آن را به حقیقت متعالی قرآن در لوح محفوظ که همه آیات کریمه مستند به آن است، تفسیر کرده‌اند.<sup>۶</sup>

در قرآن کریم، کلمه «تاویل» هفده بار استعمال شده، دوازده بار در مورد غیر قرآن و پنج بار (دو بار به طور یقین و به اتفاق مفسران و سه بار به حسب ظاهر و به نظر مشهور) در مورد قرآن به کار رفته است. از آن دوازده مورد، چهار بار به طور یقینی و به اتفاق به معنای تعبیر خواب و محکی عنه رؤیا می‌باشد<sup>۷</sup> و دو بار هم در مورد کارهایی که حضرت خضر علیہ السلام انجام داد و اسرار و اهداف آن برای حضرت موسی علیہ السلام پنهان بود، به کار رفته است که در این دو مورد به معنای حکمت و اسرار آن کارها می‌باشد.<sup>۸</sup> از موارد باقی، یک بار در مورد رجوع به خدا و رسول برای اطاعت از حکم و داوری در تنازعی که پیش آمده بود، به کار رفته<sup>۹</sup> و یک بار نیز در مورد «ایفای کیل و توزین با ترازوی مستقیم» استعمال شده است<sup>۱۰</sup> که هرچند تعبیرهای مفسران در بیان معنای آن در این دو مورد مختلف است، این دیدگاه که مراد از آن نتیجه و ثمری است که بر آن کارها مترتب می‌شود و می‌توان آن را «عقابت» نامید، با ظاهر آیه سازگارتر است، و در چهار مورد دیگر، که سه بار در حال اضافه به «الاحادیث»<sup>۱۱</sup> و یک بار در حال اضافه به ضمیر می‌باشد،<sup>۱۲</sup> اختلاف است. یک احتمال و دیدگاه این است که در این موارد نیز به معنای تعبیر خواب باشد.<sup>۱۳</sup> احتمال و نظر دیگر در موارد اضافه به «الاحادیث» آن است که به معنای بیان و تفسیر سخنان غامض و یا تعیین مطلق و قایع و

۱. ر.ک: راغب اصفهانی؛ مقدمه جامع التفسیر؛ ص ۴۷؛ حاج خلیفة؛ کشف الظنون؛ ج ۱، ص ۳۳۴.

۲. ر.ک: طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۱، ص ۸۰. ۳. ر.ک: جرجانی؛ التعريفات؛ ص ۶۵.

۴. ر.ک: ابن تیمیه؛ التفسیر الكبير؛ ج ۲، ص ۳.

۵. ر.ک: طباطبائی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، ص ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۴۹، ۵۲ و ۵۴.

۶. یوسف، ۳۶، ۴۴، ۴۵ و ۱۰۰. ۷. کهف، ۷۸ و ۸۲.

۸. نساء، ۵۹. ۹. اسراء، ۳۵.

۱۰. یوسف، ۶، ۲۱ و ۱۰۱. ۱۱. یوسف، ۳۷.

۱۲. ر.ک: شیخ طوسی؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۶، ص ۹۸؛ آلوسی؛ روح المعانی؛ ج ۱۲، ص ۱۸۶.

حوادث باشد<sup>۱</sup> و در مورد اضافه به ضمیر، به معنای حقیقت و مآل غذا و ماهیت و کیفیت و سایر احوال آن باشد.<sup>۲</sup>

بنابراین، برای تأویل در این دوازده مورد پنج معنا بیان شد است که دو معنای آن (نخست، تعبیر خواب و محکی عنه رؤیا، و دیگر، حکمت و اسرار کارهای حضرت خضر، علی نبینا و الله و علیه السلام) یقینی و مورد اتفاق است و یک معنای آن (عاقبت و فرجام رجوع به خدا و رسول در تنازعات و ایغای کیل و توزین با ترازوی مستقیم) هرچند تعبیرها در مورد آن مختلف است، با ظاهر آیات سازگار می‌باشد، و دو معنای آن احتمالی و طبق برخی دیدگاه‌ها است.

اما پنج باری که در مورد قرآن به کار رفته است، میان مفسران در بیان معنای آن تا حدودی اختلاف است، ولی براساس تحقیقی که با دقت در آیات و روایات مربوط به آن و سایر قرایین متصل و منفصل انجام پذیرفت،<sup>۳</sup> این نتیجه به دست آمد که تأویل قرآن در لسان آیات و روایات در معانی زیر به کار رفته است:

الف) معنای حقیقی و منظور واقعی آیات متشابه؛

ب) معنا و معارف باطنی آیات محکم و متشابه؛

ج) مصدق خارجی و تجسم عینی و عده و وعیدهای قرآن کریم در مورد آخرت و سایر پیشگویی‌های آن؛

د) مصاديقی از آیات که از دید عرف و افراد عادی پنهان است.

با توجه به نتیجه یاد شده و با درنظر گرفتن آیه کریمه «وَمَا يَقْلُمُ تَأْوِيلَهُ وَإِلَّا اللَّهُ وَالرَّسُولُونَ فِي الْعِلْمِ»<sup>۴</sup> می‌توان گفت: تأویل قرآن آن قسم از معانی و مصاديق آیات است که فهمیدن آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره میسر نیست و دانش آن ویژه خدای متعال و راسخان در علم است، البته این در صورتی است که تأویل به معنای وصفی باشد، ولی اگر به معنای مصدری باشد، معنای آن، بیان معانی و مصاديق پنهان آیات است.

۱. ر.ک: طباطبائی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۱، ص ۱۰؛ بیضاوی؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل؛ ج ۱، ص ۴۷۶ (تفسیر آیه ۶ سوره یوسف).

۲. آلوسی؛ روح المعانی؛ ج ۱۲، ص ۲۴۰؛ طباطبائی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۱، ص ۱۷۲.

۳. ر.ک: بابایی، «تأویل قرآن»؛ مجله معرفت؛ ش ۶، ص ۴۴-۴۹.

۴. آل عمران، ۷.

## باطن قرآن کریم

روایات بسیاری با مضامین گوناگون به صراحت دلالت دارد که قرآن دارای ظاهر و باطن است.<sup>۱</sup> اصل وجود باطن برای قرآن کریم مورد اتفاق مفسران و دانشمندان علوم قرآنی و اندیشمندان علم اصول فقه است،<sup>۲</sup> ولی در اینکه منظور از باطن قرآن چیست، بین آنان اختلاف است و دیدگاه‌های فراوانی در مورد آن وجود دارد که در این مقدمه مجال ذکر و بررسی آنها نیست و معنای باطن را طبق دیدگاه خود به اختصار بیان می‌کنیم. «باطن» در لغت به معنای پنهان در مقابل ظاهر به معنای آشکار است<sup>۳</sup> و با توجه به اینکه در روایات، باطن قرآن در مقابل ظاهر آن قرار گرفته و با تعبیر «ظهر» و «بطن» از آن دو یاد شده است،<sup>۴</sup> می‌توان گفت: باطن قرآن آن قسم از معارف قرآن کریم است که دلالت آیات کریمه بر آن برای همگان آشکار نبوده و غیر راسخان در علم حتی اگر به علوم پیش‌نیاز تفسیر و قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره آگاه باشند نیز توان فهم و تفسیر آن معارف را ندارند؛ زیرا ظاهر قرآن که در مقابل آن است، آن بخش از معارف قرآن کریم می‌باشد که یا دلالت آیات بر آن از ابتدا آشکار است و یا اگر هم در ابتدا ابهامی داشته باشد، بر مبنای قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره قابل آشکار شدن است. طبق این تعریف، باطن قرآن همان تأویل قرآن است و بین آن دو تفاوتی نیست و روایتی که بطن قرآن را به تأویل آن معنا کرده، مؤید این معنا است. آری، اگر تأویل به معنای مصدری باشد، بطن، معانی و مصاديق پنهان آیات و تأویل، بیان آن است.

در هر صورت، هرچند تفسیر حقيقی شامل تأویل نمی‌شود و قلمرو آن خصوص ظاهر قرآن و معارفی از آن است که طبق قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره قابل آشکار شدن است، ولی در عنوان این کتاب، تفسیر اعم از تأویل است و معانی باطنی و تأویل قرآن را نیز دربر دارد و در نتیجه، تفاسیر باطنی و کتاب‌هایی که در خصوص تأویل و معانی باطنی قرآن نوشته شده نیز مشمول مباحث این کتاب است.

۱. ر.ک: بابایی، «باطن قرآن کریم»؛ مجلهٔ معرفت؛ شماره ۲۶، ص ۱۰-۱۶.

۲. ر.ک: همان؛ ص ۸.

<sup>۳</sup>

معین؛ فرهنگ فارسی معین؛ واژه‌های «باطن» و «ظاهر».

۴. از رسول خدا علیه السلام روایت شده است: «انزل القرآن على سبعة احرف لكل آية منها ظهر و بطن». (فارسی، علی بن ملبان؛ الاحسان بترتیب صحيح ابن حبان، ج ۱، ص ۱۴۶) از امیر المؤمنین علیه السلام نیز روایت شده که فرموده‌اند: «و انی سمعت من رسول الله علیه السلام يقول: ليس من القرآن آية الا ولها ظهر و بطن...» (بحراتی، سیده‌اشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۹، ذیل آیة ۷ سوره آل عمران، ح ۶)

## تاریخ تفسیر قرآن کریم

تاریخ را در لغت به «تعريف وقت» معنا کرده‌اند<sup>۱</sup> و طبق این معنا، تاریخ هر چیزی شناساندن وقت آن چیز است و تاریخ تفسیر، شناساندن وقت آن و معرفی زمان‌هایی است که تفسیر در آن وجود داشته است، ولی در کاربردهای عرفی تاریخ را در معنایی فراگیرتر از آن به کار می‌برند. گاهی تاریخ را با اضافه به کار یا پدیده‌ای که وجود آن دفعی است، به کار می‌برند و منظور، زمان انجام آن کار و پیدایش آن پدیده است و گاهی با اضافه به چیزی که وجودی مستمر در مدتی طولانی دارد، به کار می‌برند و شناساندن زمان وجود آن شئ و تغییرات و تحولاتی که در طول آن زمان بر آن شئ عارض شده و هر واقعه‌ای که در ارتباط با آن پدید آمده است، منظور می‌باشد. طبق این معنا تاریخ تفسیر قرآن کریم، هم شناسایی زمان آغاز تفسیر قرآن و زمان‌هایی که تفسیر در آن وجود داشته و دوره‌هایی را که بر آن گذشته است، دربردارد و هم شامل بیان تغییرات و تحولاتی که در طول زمان بر آن رخ داده، و معرفی کتاب‌های تفسیری و مفسرانی که در ارتباط با آن پدید آمده‌اند، می‌باشد. به تعییر بعضی، تاریخ به معنای سرگذشت است؛<sup>۲</sup> پس همانگونه که سرگذشت هر کسی مجموعه وقایع و اموری را که در ارتباط با آن پدید آمده، دربردارد، تاریخ تفسیر قرآن که سرگذشت آن است نیز مجموعه وقایع و اموری را که در ارتباط با آن از آغاز تاکنون پدید آمده است، دربر دارد.

به هر حال منظور ما از «تاریخ تفسیر قرآن کریم» مجموع امور یاد شده است و در این کتاب از امور زیر بحث می‌شود:

۱. زمان پیدایش تفسیر و استمرار وجود آن تاکنون؛
۲. ویژگی زمان‌ها و دوره‌های مختلفی که بر تفسیر گذشته است؛
۳. تغییرات و تطوراتی که در دوران‌های مختلف در تفسیر پدید آمده است؛
۴. کتاب‌های تفسیری و مفسران معروف هر عصر.

۱. ر.ک: طریحی؛ مجمع البحرين؛ ج ۱، ص ۶۳؛ کلمه «أُرْخ»؛ معلوم، لویس؛ المنجد؛ ص ۱۶، همان واژه. تاریخ از واژه «أُرْخ» گرفته شده و مخفف تاریخ، مصدر باب تفعیل آن کلمه است.

۲. معین در شمار معانی تاریخ گفته است: سرگذشت یا سلسله اعمال و وقایع و حوادث قابل ذکر که به ترتیب ازمنه تنظیم شده باشد (فرهنگ فارسی معین؛ ج ۱، ص ۱۰۰۱).

### اهمیت بحث

با توجه به چند مطلب که در جای دیگر اثبات شده و در اینجا به آن اشاره می‌شود، اهمیت بحث تاریخ تفسیر قرآن کریم آشکار می‌شود:

۱. انسان برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت و هدف اعلای خلقت و کمال نهایی خود، به هدایت وحی نیاز دارد و بدون آن نمی‌تواند به مقصد اعلای خود نایل شود؛ زیرا از راه حس و عقل نمی‌تواند تمام معارف و احکامی را که برای سعادت و رسیدن به کمال نهایی اش لازم است، به دست آورد.<sup>۱</sup>

۲. قابل اعتمادترین منبع برای تحصیل معارف وحیانی و احکام الهی، قرآن کریم است؛ زیرا قرآن تنها کتاب آسمانی است که از هرگونه تحریف و تغییر زیان‌بار مصون مانده<sup>۲</sup> و دارای اعجازی جاودانه است<sup>۳</sup> که حقانیت و الهی بودن آن را در هر عصر و زمان اثبات می‌کند. رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> نیز تمسک به آن را در کنار تمسک به اهل بیت‌ش، شرط حتمی هدایت و بیمه شدن از ضلالت معرفی کرده است.<sup>۴</sup>

۳. هرچند قرآن کریم اقیانوس بی‌کران است که رسیدن به اعمق آن جز برای پیامبر<sup>علیه السلام</sup> و امامان معصوم<sup>علیهم السلام</sup> میسر نیست و هیچ‌کس جز آنان توان فهم همه معارف و علوم و احکام آن را ندارد،<sup>۵</sup> با این حال هم خود قرآن کریم و هم رسول گرامی اسلام<sup>علیه السلام</sup> و اوصیای گرانقدرش، انسان‌ها را به تدبیر در آیات و هدایت و اندرزگیری از آنها توصیه

۱. شماری از برهان‌های این مطلب را در کتاب راه و راهنمایی اثر استاد مصباح‌یزدی، ص ۲۰-۱۲ بنگرید.

۲. «إِنَّا حَنَّ تَرَّأْتَ الْذِكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَقِيقُونَ» (حجر، ۹).

۳. «أَقْلَلَنِي أَجْمَعَتِ الْإِنْسُوْنَ وَالْجِنْ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنَ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بِمُصْنُعٍ لِيَعْضُ ظَهِيرًا» (اسراء، ۸۸).

۴. رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> فرموده است: «انی تارک فیکم التقلین ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا کتاب الله و عنتری اهل بیت» (حرّ عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۸، ص ۱۹، ح ۹؛ بروجردی؛ جامع احادیث الشیعه؛ ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۳۰۲؛ حرّ عاملی؛ اثبات الهدایة؛ ج ۱، ص ۶۰۸). این حدیث با عبارت‌های دیگر در بسیاری از کتاب‌های اهل تسنن نیز آمده است. ر.ک: ترمذی، محمدبن عیسی؛ سنن الترمذی؛ ج ۵، ص ۳۷۶؛ و ص ۶۲۱، ح ۶۲۱؛ مسنده؛ ط دار صادر بیروت، ج ۳، ص ۱۴، ۱۷، ۲۶ و ۵۹؛ و ج ۵، ص ۱۸۱؛ ابن‌کثیر، اسماعیل؛ البدایة والنهایة؛ ج ۵، ص ۱۸۴؛ همو؛ جامع المسانید والسنن؛ ج ۱۹، ص ۱۳۷؛ ابن‌سعد، محمد؛ الطبقات الکبری؛ ج ۲، ص ۱۹۴؛ حاکم نیشابوری، محمد؛ المستدرک علی الصحیحین؛ ج ۳، ص ۱۰۹، ۱۴۸؛ ابویعلی؛ مسنده ابی‌علی‌الموصی؛ ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۴۸؛ بسوی، یعقوب؛ المعرفة و التاریخ؛ ج ۱، ص ۵۲۶ و ۵۳۷؛ ابن‌ابی‌شیبہ، عبدالله؛ المصنف فی الاحادیث والآثار؛ ج ۷، ص ۴۱۷ (کتاب الفضائل، باب ما اعطی الله تعالی محدث<sup>علیه السلام</sup> ح ۴۱) و بسیاری از کتاب‌های دیگر.

۵. از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> روایت شده است: «ما يستطيع احد ان یدعی ان عنده جميع القرآن کله ظاهره و باطنه غير الاوصیاء» (کلینی؛ اصول الکافی؛ ج ۱، ص ۲۸۶، کتاب الحجه، باب انه لم یجمیع القرآن کله الا الائمه<sup>علیهم السلام</sup>، ح ۲).

فرموده‌اند،<sup>۱</sup> و بی‌تر دید انسان موظف و مأمور است که از هدایت‌ها و اندرزهای قرآن استفاده کند و هیچ‌گونه کوتاهی در این باره روانیست.

۴. کسانی که در صدد فهم معارف قرآن برآمده باشند، به خوبی می‌دانند که دلالت آیات بر مرتبه‌ای از معارف و اندرزهای اخلاقی، آشکار و فهم آن برای عموم آسان و بی‌نیاز از تفسیر است،<sup>۲</sup> ولی فهم بخش عظیمی از معارف و احکام آن به تفسیر و تلاش علمی مناسب نیاز دارد، و این نیاز از زمان رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> وجود داشته و با فاصله‌گرفتن از آن‌زمان، شدیدتر و موجب شده که علمی به نام «تفسیر قرآن» پدید آید و کتاب‌های تفسیری فراوانی تدوین شود.<sup>۳</sup>

۵. یکی از اموری که در استفاده صحیح و بهره‌گیری کامل از هر علمی بسیار مؤثر است، آشنایی با تاریخ آن علم است؛ زیرا آشنایی با تاریخ آن، انسان را با دانشمندان، کتاب‌ها، فراز و نشیب‌ها، تغییر و تطویرهای آن علم و احیاناً نقاط قوت و ضعف روش‌ها، مکتب‌ها و نظریات مطرح در آن علم آگاه می‌کند و بدیهی است که آگاهی از این امور، نقش بسیار مؤثری در استفاده بهینه از آن علم دارد.

از بیان این مطالب روشن شد که آشنایی با تاریخ تفسیر قرآن از جمله اموری است که در تفسیر صحیح قرآن و استفاده بهینه از تفسیر مفسران نقش مؤثر و بسیاری دارد و تفسیر قرآن نیز یکی از علوم ضروری و مهم است که در حیات دنیوی و اخروی انسان‌ها تأثیرگذار می‌باشد و انسان بدون آن نمی‌تواند به هدف اعلا و کمال نهایی اش دست یابد؛ و از این بیان نتیجه می‌گیریم که این بحث می‌تواند نقش مؤثری در سعادت و کمال انسان داشته باشد و از این جهت دارای اهمیت ویژه‌ای است.

## پیشینه

در موضوع تاریخ تفسیر، کتابی مستقل که همه مباحث تاریخ تفسیر از قبیل زمان پیدایش

۱. قرآن فرموده است: «أَفَلَا يَتَبَرَّؤُنَ الْفُرَّعَانَ أُمَّ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا» محمد، ۲۳؛ «كَتَبْ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكُمْ مُّبَرَّكُ لَيَدَبُرُوا ءَايَتِهِ وَلَيَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» سوره ص، ۲۹؛ از رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> نقل شده که فرموده است: «... فاذا التبس عليكم الفتن كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن» (کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۵۷۳، کتاب فضل القرآن، ح ۲)؛ از امام علی عاشوراً نقل شده که فرمود: «وَتَعْلَمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ» (نهج البلاغه؛ ترجمه فیض الاسلام، ص ۳۳۹، خطبه ۱۰۹، فراز ۱۲ و ۱۳).

۲. آیه «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْفُرُّعَانَ لِلذِّكْرِ» (قمر، ۱۷) و امثال آن به این مرتبه از معارف و اندرزهای قرآن نظر دارد.

۳. برای توضیح بیشتر این مطلب ر.ک: بابایی و دیگران؛ روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ ص ۴۰-۴۴.

تفسیر و استمرار وجود آن، ویژگی‌های مفسران و کتاب‌های تفسیری هر عصر از آغاز تاکنون، تغییرات و تطورات تفسیر در دوره‌های مختلف و مکاتب و روش‌های تفسیری پدید آمده در هر عصر را دربرداشته باشد، نوشه نشده است و یا نگارنده از آن آگاهی ندارد. البته کتاب‌هایی مانند طبقات المفسرين سیوطی، طبقات المفسرين داودی، طبقات المفسرين ادنه‌ی، معجم المفسرين عادل نویه‌ض، التفسير و المفسرون ذهبی، المفسرون حیاتهم و منهجهم ایازی، التفسير و المفسرون فی ثوبه القشیب معرفت، مکاتب تفسیری تأليف نگارنده، طبقات مفسران شیعه عقیقی بخشایشی، و آشنایی با تفاسیر قرآن مجید و مفسران استادی در معرفی اجمالی شماری از مفسران و کتاب‌های تفسیری نوشته شده است.

در لابه‌لای کتاب‌های علوم قرآنی مانند الاتقان سیوطی و مناهل العرفان زرقانی، قرآن در اسلام علامه طباطبایی، علوم القرآن عند المفسرين، علوم القرآن سید محمدباقر حکیم و مقدمه برخی تفاسیر مانند التیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی، الكشف والیان ثعلبی و کتاب‌های کتاب‌شناسی مانند الفهرست ابن‌نديم، کشف الظنون، الذریعة الى تصانیف الشیعه، کتابنامه بزرگ قرآن کریم بکائی، معجم المؤلفین عمر رضا کحاله، موسوعة مؤلفی الامامیة، تاریخ التراث العربی و کتاب‌های رجالی، سیره و تاریخ مانند رجال النجاشی، الفهرست طوسی، اعیان الشیعه سید‌محسن امین، الطبقات الکبری ابن‌سعده، تاریخ بغداد خطیب، سیر اعلام البلاء ذهبی، و حلیة الاولیاء ابونعمیم نیز شمار زیادی از مفسران و کتاب‌های تفسیری در برخی با اشاره و در برخی با اندکی تفصیل یاد شده است که در این کتاب از آن کتاب‌ها به عنوان منبع استفاده می‌شود.

کتابی با عنوان سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو از سید محمدباقر حجتی که دو مقاله آن در موضوع تفسیر قرآن است، تاریخ التفسیر اثر قاسم قیسی، تاریخ تفسیر قرآن کریم نوشته حبیب الله جلالیان، تاریخ تفسیر اثر عبدالوهاب طالقانی، تاریخ تفسیر قرآن کریم نگاشته سهراب مروتی، مفسران شیعه نوشته محمد شفیعی، التفسیر بالماثور و تطوره عند الشیعه الامامیه تأليف احسان امین، سیر تطور تفاسیر شیعه نوشته سید محمدعلی ایازی، و آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران تأليف حسین علوی مهر از دیگر کتاب‌هایی است که در قرن اخیر در موضوع تاریخ تفسیر تدوین شده است که بیشتر آنها فقط به بخش یا بخش‌هایی از تاریخ تفسیر پرداخته‌اند و هیچ‌کدام جامعیت لازم را ندارند و بی‌نیازکننده از این کتاب نمی‌باشند، به ویژه که در این کتاب تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی است که در هیچ‌یک از آن کتاب‌ها دیده نمی‌شود.

## فصل اول: تفسیر در عصر رسالت

عصر رسالت و آغاز تفسیر  
مفاسِران عصر رسالت  
ماخذ تفسیر در عصر رسالت  
برترین دانشجوی تفسیر در عصر رسالت  
تفسیر همهٔ قرآن در عصر رسالت  
کتابت تفسیر در عصر رسالت  
آثار تفسیری عصر رسالت

صفحه ۱۶ خالی است

## فصل اول

### تفسیر در عصر رسالت

#### عصر رسالت و آغاز تفسیر

منظور از رسالت، رسالت پیامبر خاتم ﷺ و عصر رسالت حدود بیست و سه سال است که از بعثت آن حضرت آغاز شده و با رحلت آن حضرت پایان یافته است و قرآن کریم در طول این مدت به تدریج بر پیامبر اکرم ﷺ نازل و به واسطه آن حضرت بر مردم تلاوت شده است.

همان‌گونه که در اهمیت بحث،<sup>۱</sup> با اشاره و در روش‌شناسی تفسیر قرآن<sup>۲</sup> با تفصیل بیان شده است، مرتبه‌ای از معانی و معارف آیات قرآن به تفسیر نیازی ندارد و در عصر رسالت نیز به مجرد شنیدن آیات از رسول خدا ﷺ و یا با اندکی تأمل و تدبیر در آنها، این مرتبه از معانی و معارف آیات فهمیده می‌شده و به تبیین و تعلیم پیامبر اکرم ﷺ نیازی نبوده است،<sup>۳</sup> ولی تردیدی نیست که در آن زمان نیز مانند زمان‌های بعد، در فهم بخش عمدہ‌ای از معانی و معارف آیات به تفسیر نیاز بوده است<sup>۴</sup> و از چند راه می‌توان پی بردن که پیامبر ﷺ، آن بخش از معانی و معارف را تفسیر کرده است.

#### ۱. تحلیل عقلی

در قرآن کریم مطالبی ذکر شده که برای فهم آن و عمل به آن به تفسیر و تبیین نیاز است؛ برای

۱. ر.ک: همین کتاب؛ ص ۱۳.

۲. ر.ک: بابایی و دیگران؛ روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ ص ۴۰-۳۴.

۳. آیات تحدى و آیاتی از قبیل «وَلَقَدْ يَسِرْنَا الْقُرْءَانَ لِلّذِئْرِ فَهُلْ مِنْ ظَدَّكِ» (قمر، ۱۷) شاهد این مدعای است.

۴. از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «هذا القرآن انما هو خط مستور بين الدفتين لا ينطق بلسان و لا بد له من ترجمان و انما ينطق عنه الرجال» (نهج البلاغة؛ ترجمه فيض الاسلام، ص ۳۸۷، خطبه ۱۲۵).

مثال، به بر پاداشتن نماز فرمان داده شده، ولی کیفیت آن بیان نشده است؛ به دادن زکات ترغیب شده، ولی مقدار و چگونگی آن بیان نگردیده است؛ به فرضیه حج اشاره شده، ولی مناسک آن تبیین نشده است؛ به اطاعت از اولی‌الامر در ردیف اطاعت از پیامبر ﷺ امر شده، ولی افراد اولی‌الامر معرفی نشده است؛ به بریدن دست دزد امر شده، ولی از شرایط، مقدار و کیفیت بریدن آن سخنی به میان نیامده است و... بی‌تردید مناسب‌ترین و سزاوارترین شخص برای تبیین این گونه مطالب، پیامبر اکرم ﷺ بوده است و آن حضرت، هم در ابلاغ قرآن و تبیین مطالب آن اهتمام کامل داشته و هم نسبت به امت خود دلسوز و مهربان بوده است.<sup>۱</sup>

با توجه به این امور، تردیدی نمی‌ماند که آن حضرت به تفسیر قرآن پرداخته و مطالبی از آن را که به تفسیر نیاز داشته، برای امت خود بیان کرده است.

## ۲. قرآن کریم

خدای متعال در آیه «الْقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ يَتَّلَوُ عَلَيْهِمْ ءَايَاتِهِ وَيُبَيِّنُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»<sup>۲</sup> و چند آیه دیگر،<sup>۳</sup> تعلیم کتاب را افزون بر تلاوت آیات، از کارهای آن حضرت به شمار آورده است و از ذکر تعلیم کتاب به دنبال تلاوت آیات به خوبی فهمیده می‌شود که منظور از «تعلیم کتاب» تعلیم قرائت قرآن نبوده است، بلکه تعلیم معانی و معارف آن بوده است و عطف «الحكمة» به «الكتاب» و تعلق «يعلمهم» به هر دو، به یک وزان مؤید دیگری برای این معنا است؛ زیرا تردیدی نیست که تعلیم حکمت، تعلیم مطلب و حقیقت است نه تعلیم لفظ و قرائت؛ پس مناسب این است که تعلیم کتاب نیز به همین معنا باشد.

آیه «...وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْذِكْرَ لِتُبَيَّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛<sup>۴</sup> و این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان نازل شده است، تبیین کنی و شاید آنان

۱. آیه «الْقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه، ۱۲۸) و آیاتی از قبیل «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ لِتُشَنَّقَ \* إِلَّا تَذَكَّرَهُ مَنْ يَحْشَى» (طه، ۲ و ۳) دلیل مطلب باد شده است.

۲. جمعه، ۲، و بقره، ۱۵۱.

۳. آل عمران، ۱۶۴.

۴. نحل، ۴۴.